

How to affect the parent's marriage on the citizenship of the children in the Iranian legal system with a look at the Turkish Legislation System

 **HamidGanjzadeh**

Professor of Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author)
hamid.ganji.7@gmail.com

 **Nejadali Almasi**

Master of Private Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
nejadalialmasi1320@gmail.com



Abstract

One of the key issues for governments in the international arena is distinguishing their own nationals from those of other countries and determining their legal rights and obligations. Among the factors that can affect the acquisition of Iranian citizenship is the method of acquiring citizenship through marriage, which can directly or indirectly influence an individual's nationality. In Iran's legal system, there is no uniform approach regarding the granting of citizenship to children based on their parents. If the father of the born individual is Iranian, regardless of whether the child is born in Iran or abroad, they are considered an Iranian national under Iranian law. However, if the mother is Iranian, the child is not automatically considered Iranian and must meet additional conditions, one of which is birth on Iranian soil.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 Winter
2026
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jpl.2025.2056363.1200

In contrast, in Turkey's legal system, marriage alone does not grant citizenship; additional conditions must be met. Moreover, unlike Iranian law, there is no distinction between Turkish men and women in this regard. This analytical-descriptive research examines the impact of marriage on the citizenship of children in the legal systems of Iran and Turkey, focusing on the transmission of nationality. It can be stated that what matters to the Iranian legislature is the validity of the parents' marriage according to religious and legal standards, as well as the distinction made between an Iranian father and an Iranian mother. In contrast, Turkey's legal system does not differentiate between men and women, and for acquiring Turkish citizenship through marriage, regardless of whether the marriage is religiously solemnized, certain conditions must be fulfilled.

KeyWords : Citizenship, Marriage, Iranian Father, Iranian Mother, Child




چگونگی تأثیر ازدواج والدین بر تابعیت فرزندان در نظام حقوقی ایران با نگاهی به نظام حقوقی ترکیه

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

hamid.ganji.7@gmail.com

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
nejadalialmasi1320@gmail.com

حمید گنجی زاده 

نجادعلی الماسی 

چکیده

یکی از مسائل مهم برای دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، تمایز اتباع خود از اتباع سایر کشورها و تعیین وضعیت حقوق و تکالیف آنها می‌باشد. از جمله مواردی که می‌تواند در کسب تابعیت کشور ایران موثر باشد روش کسب تابعیت از طریق ازدواج است که می‌تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم در تابعیت افراد موثر باشد. در نظام حقوقی ایران، برای اعطای تابعیت به فرزندان، نسبت به پدر و مادر دیدگاه یکسانی در خصوص نحوه اعطای تابعیت بر این اساس وجود ندارد و چنانچه پدر فرد متولد شده ایرانی باشد صرفنظر از اینکه فرزند در ایران متولد شده باشد یا خارج ایران، طبق قانون ایران این فرد تبعه ایران محسوب می‌شود اما چنانچه مادر فرد متولد شده ایرانی باشد، فرد ایرانی محسوب نمی‌شود و باید شرایط دیگری نیز وجود داشته باشد که یکی از آن شرایط، تولد در خاک ایران است؛ این در حالی است که در نظام حقوقی ترکیه صرف ازدواج نمی‌تواند باعث اعطای تابعیت به افراد شود و علاوه بر آن باید شرایط دیگری هم وجود داشته باشد و در این خصوص برخلاف قانون ایران تفاوتی میان زن و مرد ترکیه‌ای وجود ندارد.

این پژوهش که به صورت تحلیلی توصیفی می باشد، به موضوع تاثیر ازدواج بر تابعیت فرزندان در دو نظام حقوقی ایران و ترکیه، از لحاظ انتقال تابعیت پرداخته است. می توان این گونه بیان کرد که آنچه که برای قانون گذار ایران اهمیت دارد، چگونگی انعقاد ازدواج میان والدین از نظر معیار و ملاک شرعی و قانونی و همچنین تفاوت قائل شدن میان پدر ایرانی و مادر ایرانی است ؛ این در حالی است که در نظام حقوقی ترکیه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و برای کسب تابعیت ترکیه از طریق ازدواج، صرف نظر از اینکه ازدواج صورت گرفته به صورت شرعی است یا خیر، باید شرایطی وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تابعیت، ازدواج، پدر ایرانی، مادر ایرانی، فرزند

مقدمه

که بیش از همه موارد در تعریف تابعیت اهمیت دارد، سیاسی بودن رابطه تابعیت و اختیار کامل دولت ها برای اعطای تابعیت خود به افراد است، کشور ایران نیز در راستای این مورد برای اعطای تابعیت خود به افراد بعضا شرایطی را تعیین کرده است و بنا به دلایلی در برخی از موارد میان زن و مرد تفاوت قائل شده است؛ به عنوان مثال و در بحث فرزندان متولد از پدر ایرانی و مادر ایرانی قائل به تفاوت شده است؛ همچنین باید دید که نوع تابعیت اعطایی به فرزندان پدر و مادر ایرانی چگونه است؟ آیا تابعیت اصلی است یا تولدی؟ همچنین باید پی برد که آیا تقدم و تاخر تولد فرزند بر ازدواج می تواند تاثیری در کسب و از دست دادن تابعیت داشته باشد یا خیر؟ در نظام حقوقی ترکیه و بر اساس ماده ۱۶ قانون تابعیت این کشور، صرف ازدواج با اتباع ترکیه ای نمی تواند موجب کسب تابعیت ترکیه برای آنان شود بلکه باید شرایطی مانند گذشتن سه سال از تاریخ ازدواج و نبودن تهدید برای امنیت ملی ترکیه و ... وجود داشته باشد و در این خصوص تفاوتی ندارد که اشخاص خارجی با مرد ترکیه ای ازدواج کرده باشند یا با زن ترکیه ای.

در خصوص موضوعاتی مانند چگونگی انعقاد ازدواج و رعایت مقررات قانونی در مورد آن کلیاتی توسط برخی از حقوق دانان مانند سلجوقی و ارفع نیا مطرح شده است اما در خصوص حالات مختلف تابعیت پدر و مادر و همچنین تاثیر محل تولد طفل متولد از والدین تاکنون بحثی به میان نیامده است. علاوه بر این در خصوص موضوع تحقیق اخیرا، قانونی تحت عنوان قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در سال ۹۸ به تصویب رسیده است و این موضوع از این جهت تازگی دارد.

اهمیت و ضرورت بحث در این است که بر اساس قوانین ایران به چه دسته از فرزندان می توان تابعیت ایران را اعطا کرد و آیا در این خصوص تفاوتی میان اطفالی که پدر ایرانی و مادر ایرانی دارند وجود دارد یا خیر؟ همچنین این موضوع قابل طرح است که آیا تابعیت

اعطایی به این دسته از افراد تابعیت اصلی است یا تابعیت اکتسابی؛ زیرا اگر تابعیت اعطایی به این دسته از افراد تابعیت اکتسابی باشد، این افراد مشمول محرومیت های ماده ۹۸۲ قانون مدنی قرار می گیرند و در آینده نمی توانند به مشاغل مهم در کشور ایران برسند؛ به عبارت دیگر سوالاتی را که در خصوص این موضوع می توان مطرح کرد عبارتند از:

- ۱- انعقاد ازدواج چگونه می تواند بر تابعیت فرزندان تاثیر بگذارد؟
- ۲- اختلاف تابعیت والدین چه تاثیری بر تابعیت فرزندان دارد؟

۱- تعریف تابعیت و طرق کسب آن:

در خصوص تعریف تابعیت، میان حقوق دانان تعریف واحدی وجود ندارد. محمد نصیری تابعیت را رابطه ای سیاسی و معنوی می داند که شخصی را به دولتی معین مرتبط می سازد (نصیری، ۱۳۹۷، ۲۶). سلجوقی معتقد است که در تعریف تابعیت، علاوه بر تاکید بر مفهوم سیاسی این کلمه، باید ویژگی واقعی بودن تابعیت را نیز مدنظر قرار داد و منظور از واقعی بودن در تعریف تابعیت این است که تابعیت متضمن یک رابطه حقوقی مستمر، میان دولت حاکم از یک سو و شهروند از سوی دیگر است؛ در احراز واقعی بودن تابعیت باید عواملی مانند معنوی بودن و احساس تعلق خاطر و نیز استمرار و گذر زمانی را مورد توجه قرار داد و بند دوم ماده ۹۷۹ قانون مدنی نیز، اماره ای بر واقعی بودن و علاقه مندی فرد به تابعیت ایران است (سلجوقی، ۱۳۸۰، ۸۷) (الهویی نظری و کورکی نژاد، ۱۳۹۵، ۳۰۰). ارفع نیا، تابعیت را علاوه بر رابطه سیاسی و معنوی، واجد عامل حقوقی هم می داند؛ وی معتقد است که تابعیت رابطه ای است بین فرد و دولت، که شخص تبعه را در قبال تبعیت، به حمایت دولت متبوع، ذیحق می نماید (ارفع نیا، ۱۳۸۲، ۳۸). دسته ای دیگر از حقوق دانان معتقدند که تابعیت رابطه ای حقوقی و ناظر بر وضعیت حقوقی یک فرد است که به دلیل عضویت در یک جامعه سیاسی مستقل، کسب و حقوق و تکالیف او را در سطح بین المللی تعیین می کند و متضمن حقوق و تکالیف متقابل برای فرد و دولت مربوطه است (starke، ۱۹۸۹، 340). نکته دیگری که در تعریف تابعیت می توان به آن اشاره کرد، بحث مربوط به ارتباط تابعیت و نظم عمومی در هر جامعه است و در تعریف تابعیت، باید به مفهوم

نظم عمومی نیز توجه شود و قوانین تابعیتی در هر کشور در زمره قواعد حاکمیتی است و به نظم عمومی در آن کشور مربوط می‌شود. در تعریف واژه نظم عمومی می‌توان این گونه بیان کرد که نظم عمومی، قواعد و نهادهایی هستند که هدف آنها حفظ منافع عموم و تامین حسن جریان امور عمومی، شامل امور اداری، سیاسی، اقتصادی و حفظ خانواده است و اراده افراد نمی‌تواند بر خلاف آنها اقدام کند.

از مجموع تعاریف موجود و بیان شده از تابعیت، می‌توان مهم‌ترین عامل برای تعریف تابعیت را عنصر سیاسی بودن آن دانست؛ بدین معنا که در خصوص تابعیت، این اصل کلی در میان کشورها پذیرفته شده است که هر دولتی اختیار کامل در اعطای تابعیت خود به افراد دارد و مسائل مربوط به تابعیت در صلاحیت ملی دولت‌ها است (I.C.J., 1955, 28) بنابراین در یک تعریف جامع از تابعیت، می‌توان این گونه بیان داشت که، تابعیت رابطه‌ای است مستمر بین فرد و دولت و هر دولتی با توجه به نظم عمومی جامعه خود و با استقلال کامل، حقوقی به تبعه خود می‌دهد و در مقابل آن تکالیفی را از او می‌خواهد و این رابطه محدود به مرزهای جغرافیایی کشورها نیست (الماسی و گنجی زاده، ۱۴۰۳، ۴۱)

۲- چگونگی انعقاد ازدواج والدین و تأثیر آن بر تابعیت فرزندان:

در بحث چگونگی انعقاد ازدواج و تأثیر آن بر تابعیت فرزندان، قبل از بحث باید دو مسئله مهم را مورد توجه قرار داد؛ اولین مسئله این است که آیا ازدواج والدین شرعی و قانونی بوده است یا خیر؟ دومین مسئله این است که آیا مشروع و نامشروع بودن نسب فرزند در تابعیت او موثر است یا خیر؟

۱-۲- شرعی و قانونی بودن ازدواج والدین:

در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی آمده است: « نکاح مسلمه با غیر مسلمه جایز نیست »؛ در نتیجه چنانچه زن ایرانی مسلمان بخواهد با مرد خارجی ازدواج کند، مرد خارجی نیز باید مسلمان باشد. همچنین ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است »؛ در نتیجه در نکاح زن ایرانی (چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان) با مرد خارجی،

حتی اگر مانعی وجود نداشته باشد (ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی)، بازهم نکاح باید با اجازه دولت صورت گیرد. عده‌ای از حقوق‌دانان نکاحی را که بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی باشد، غیرنافذ می‌دانند، به این دلیل که هر دولتی لازم است از نظر سیاسی، بر ازدواج‌هایی که ممکن است باعث از دست دادن تابعیت یا به‌دست آوردن تابعیت شود نظارت داشته باشد و این نظارت در راستای حفظ مصالح سیاسی و امنیتی هر دولتی است؛ از طرف دیگر، وضع ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی در جهت حفظ منافع و مصالح زن ایرانی می‌باشد؛ زیرا در صورت نکاح زن ایرانی با مرد خارجی، زن ایرانی ممکن است تابعیت خود را از دست بدهد، در نتیجه نظارت داشتن دولت بر نکاح زن ایرانی با مرد خارجی، هم برای حفظ مصالح دولت لازم است و هم برای حفظ منافع خود زن ضروری است (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ۹۵) (آریان، ۱۳۷۶، ۱۲۸). عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان نیز قائل به بطلان نکاح در صورت عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی هستند، به این دلیل که اگرچه ممکن است نکاح زن ایرانی از نظر شرعی صحیح باشد ولی چون زن ایرانی در احوال شخصیه خود، تابع قانون دولت متبوع خود، یعنی ایران می‌باشد، در نتیجه برای صحت نکاح علاوه بر شرعی بودن نیاز به قانونی بودن نیز دارد و چون نکاح به صورت قانونی منعقد نشده است، پس این نکاح باطل است و اگر حکم به صحت این ازدواج بدهیم، باید حکم به بی‌اعتباری ماده ۱۰۶۰ بدهیم (الماسی، ۱۳۹۶، ۲۷۲). عده‌ای دیگر هم که تعداد آنان بیشتر از طرفداران دو نظر دیگر است معتقدند که حتی اگر نکاح بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گیرد بازهم نکاح صورت گرفته است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷، ۶) (ارفع‌نیا، ۱۳۷۷، ۵۵) (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ۹۶)؛ زیرا ازدواجی که بر اساس ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی و به صورت شرعی صحیح باشد، نافذ است و همچنین در آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه، تنها کفر مانع نکاح محسوب شده است (میترا براریان طبری، ۱۳۹۲، ۴۹). از طرفی دیگر اگر قرار باشد که این ازدواج‌ها را باطل یا غیرنافذ محسوب کرد، ازدواج‌های صورت گرفته منجر به نامشروع شدن روابط زن و مرد می‌شود که این امر با توجه به جنبه‌های عقد ازدواج، نامطلوب است (آریان، ۱۳۷۶، ۵۰) (مریدی و منصوری، ۱۳۹۶، ۶۹). با توجه به مطالب اظهار شده، جواب این سوال که آیا ازدواج بدون

رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صحیح، غیرنافذ و یا باطل است را می توان با توجه به هدفی که قانون گذار از وضع این ماده داشته است پیدا کرد؛ همانطور که گفته شد یکی از اهداف قانون گذار برای وضع این ماده، نظارت بر این ازدواج ها، به دلیل وجود مصالح سیاسی است (الماسی، ۱۳۹۶، ۲۷۲) و به نظر، قانون گذار نخواسته است که در صورت عدم رعایت این ماده، نکاح صورت گرفته را باطل یا غیرنافذ بداند بلکه هدف، نظارت بر این ازدواج ها از طریق ثبت آنها بوده است؛ اگر این هدف را برای قانون گذار در نظر بگیریم، مشخص می شود که اگر نکاح بین زن ایرانی و مرد خارجی، حتی بدون اجازه دولت هم منعقد شود، باز هم ازدواج صحیح است (وحدتی شبیری و افشارقوچانی، ۱۳۹۳، ۱۵۱)؛ همچنین برخی بیان کرده اند که اگر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ باشد و تابعیت دولت متبوع شوهر به زن ایرانی تحمیل شود، چنانچه از این ازدواج فرزندی متولد شود، اخذ شناسنامه و به تبع آن اعطای تابعیت ایرانی به فرزند متولد شده غیرممکن می باشد (حسنی، ۱۳۸۶، ۱۸۹-۱۹۵).

در نظام حقوقی ترکیه در خصوص اینکه ازدواج باید به چه طریقی باشد بحثی به میان نیامده است اما به نظر می رسد با توجه به ماده ۱۶ قانون تابعیت این کشور و اینکه می توان از طریق ازدواج، تابعیت ترکیه را بدون رعایت شروط لازم در ماده ۱۱ این قانون به دست آورد باید قائل به قانونی بودن ازدواج باشیم. نکته دیگر در خصوص چگونگی ازدواج در کشور ترکیه این است که باید میان فرزندان متولد شده از طریق ازدواج و فرزندان متولد شده خارج از رابطه ازدواج تفاوت قائل شد؛ بدین صورت که چنانچه طفل بر اساس رابطه ازدواج به دنیا آمده باشد تبعه ترکیه محسوب می شود اما چنانچه طفل خارج از رابطه ازدواج به دنیا آمده باشد، باید میان مادر ترکیه ای و پدر ترکیه ای تفاوت قائل شد؛ بدین صورت که چنانچه طفل متولد شده از مادر ترکیه ای و پدر خارجی، در صورتی که خارج از رابطه ازدواج به دنیا آمده باشد، این فرد تبعه ترکیه محسوب می شود؛ زیرا بند دوم ماده هفت قانون تابعیت ترکیه بیان می دارد که چنانچه فرد متولد شده از مادر ترکیه ای و پدر خارجی، خارج از رابطه ازدواج هم متولد شود، باز هم تبعه ترکیه محسوب می شود؛ اما چنانچه طفل متولد شده از پدر ترکیه ای و مادر خارجی، خارج از رابطه ازدواج به دنیا آید، این فرد به محض

تولد تبعه ترکیه محسوب نمی‌شود بلکه در صورت رعایت اصول و رویه‌هایی که در خصوص تعیین نسب اتباع وجود دارد می‌تواند تابعیت ترکیه را به‌دست آورد. (Rubio-Marín, R, 2016) 16) زیرا بند سوم ماده هفت قانون تابعیت ترکیه در این خصوص بیان داشته است که چنانچه فردی از پدر ترکیه‌ای و مادر خارجی، خارج از رابطه ازدواج متولد شود، این فرد تبعه ترکیه نیست بلکه می‌تواند تابعیت ترکیه را در صورت رعایت اصول و رویه‌های مربوط به تعیین نسب به‌دست آورد.

۲-۲- مشروع و نامشروع بودن نسب:

مسئله دیگر این است که آیا برای اعطای تابعیت ایرانی به طفل، لزوماً باید بین پدر و مادر طفل، نکاح صورت گرفته باشد یا به طفل متولد شده از طریق نامشروع هم می‌توان تابعیت ایرانی را اعطا کرد؟ طبق ماده ۵ آیین نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب سال ۱۳۹۹، تعلق فرزند به مادر منوط به گواهی معتبر بیمارستان است که این نشان از شرط مشروع بودن نسب دارد و در تایید این مورد، عده‌ای از حقوق‌دانان عقیده دارند که نسب طفل متولد شده، با پدر ایرانی او باید مشروع باشد و نمی‌توان به طفل متولد شده از طریق نامشروع تابعیت ایرانی پدر را اعطا کرد؛ زیرا در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی آمده است: « طفل متولد از زنا، ملحق به زانی نمی‌شود» (سلجوقی، ۱۳۸۶، ۱۸۹) (ارفع‌نیا، ۱۳۸۲، ۸۱، مدنی، ۱۳۷۵، ۹۸). همچنین عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان بیان کرده‌اند که اگرچه قانون‌گذار از نسب مشروع یا نامشروع سخنی به‌میان نیاورده است ولی با توجه به بند سوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی باید این گونه بیان کرد که قانون‌گذار در بحث تابعیت، اصل را بر نسب مشروع قرار داده است و فرض کرده است که نسب میان پدر و فرزند به صورت مشروع شکل گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۵۸۶). در مقابل عده دیگری از حقوق‌دانان عقیده دارند که باید میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی قائل به تفکیک شد و چون تابعیت جز مسائل حقوق عمومی است و این دولت و حکومت‌ها هستند که در این خصوص تصمیم‌گیرنده‌اند، پس در نتیجه مانعی برای اعمال بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی نسبت به افراد با نسب نامشروع وجود ندارد (نصیری، ۱۳۹۷، ۶۶). همچنین

عده‌ای دیگر معتقدند که تابعیت جزء آن دسته از حقوقی نیست که نسب مشروع یا نامشروع در آن تأثیر داشته باشد و حتی در اسلام و دولت اسلامی نیز فرزند متولد شده از هر مسلمانی بر اساس سیستم خون، مسلمان محسوب می‌شود و تبعه دولت اسلامی است (دانش پژوه، ۱۳۸۲، ۷۰-۷۱). همچنین عده‌ای بیان کرده‌اند که تابعیت و نسب دو مسئله جداگانه است و نباید این دو را همسنگ هم تصور کرد و به دلیل عاملی که خارج از اراده فرد بوده است او را از داشتن تابعیت محروم کرد (هارونی، ۱۳۸۰، ۷۶). جدای از این اختلاف نظرات، تا سال ۱۳۷۶، نظر غالب در میان قضات، لزوم وجود نسب مشروع میان پدر ایرانی و فرزندش بود اما در سال ۱۳۷۶، و به موجب رای وحدت رویه‌ی شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۰، در صورت نامشروع بودن رابطه زن و شوهر، طفل متولد شده از این طریق نیز، تبعه ایران محسوب می‌شود.

در خصوص مشروع و نامشروع بودن نسب در نظام حقوقی ترکیه باید میان مادر ترکیه‌ای و پدر ترکیه‌ای قائل به تفاوت شد و بر اساس ماده ۷ قانون تابعیت این کشور، در صورتی که مادر ترکیه‌ای باشد، به فرزند او می‌توان تابعیت ترکیه‌ای را اعطا کرد، حتی اگر ازدواجی میان زن ترکیه‌ای و همسر خارجی او صورت نگرفته باشد؛ اما اگر پدر ترکیه‌ای باشد، باید میان مرد ترکیه‌ای و همسر خارجی او ازدواج صورت گرفته باشد تا بتوان به فرزند آنها تابعیت ترکیه‌ای را اعطا کرد وگرنه شخص تبعه ترکیه محسوب نمی‌شود و باید درخواست تابعیت ترکیه‌ای را داشته باشد.

۳- تأثیر ازدواج والدین بر تابعیت فرزندان در نظام حقوقی ایران:

در خصوص تابعیت فرزندان مسئله این است که آیا ازدواج می‌تواند در تابعیت فرزندان نیز اثر گذار باشد یا خیر؟ به عنوان مثال، چنانچه یک زن ایرانی که دارای فرزندی از شوهر سابق خود می‌باشد، با یک مرد خارجی‌ای که قانون دولت متبوع او، تابعیت شوهر را به زن تحمیل می‌کند ازدواج کند، آیا تابعیت فرزند نیز در اثر این تحمیل تابعیت به زن تغییر می‌کند یا خیر؟ در جواب به سوال طرح شده می‌توان دو فرض را مورد بررسی قرار داد:

۱- فرض اول حالتی است که مرد یا زن خارجی ای که دارای فرزند می‌باشد به تابعیت ایران درآید: در این مورد باید به مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ قانون مدنی توجه کرد؛ نکته‌ای که در خصوص این دو ماده وجود دارد این است که در این دو ماده، حکم حالتی بیان شده است که مرد خارجی دارای فرزند به تابعیت ایرانی درآید و بحثی از زن خارجی دارای فرزند که به تابعیت ایران درمی‌آید وجود ندارد. به عبارت دیگر، مرد خارجی ای که دارای فرزند می‌باشد و به تابعیت ایران درمی‌آید، در صورت داشتن فرزند صغیر یا کبیر، حکم آن در قانون مدنی مشخص شده است اما زن خارجی ای که دارای فرزند است و به تابعیت ایران درمی‌آید، تکلیف تابعیت فرزند او مشخص نیست. سوالی که وجود دارد این است که آیا می‌توان حکم مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ قانون مدنی را به زن خارجی دارای فرزند هم تسری داد یا خیر؟ می‌توان بیان داشت که در خصوص تابعیت فرزندان صغیر، می‌توان حکم ماده ۹۸۴ را نسبت به زن خارجی نیز اعمال کرد؛ زیرا در ابتدای این ماده قید «کسانی» استفاده شده است که این می‌تواند هم درباره پدر و هم درباره مادر باشد؛ اما در خصوص تابعیت فرزندان کبیر نمی‌توان این برداشت را کرد؛ زیرا در متن ماده ۹۸۵ صریحاً از لفظ «پدر» استفاده شده است و از مادر خارجی نامی برده نشده است.

۲- فرض دوم حالتی است که مرد یا زن ایرانی که دارای فرزند است به تابعیت خارجی درآید: در این خصوص نیز باید به ماده ۹۸۸ قانون مدنی نظر کرد. تفاوتی که میان این ماده و مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ قانون مدنی وجود دارد این است که در صورت خارج شدن زن یا مرد ایرانی از تابعیت خود، این از دست دادن تابعیت تاثیری بر تابعیت ایرانی فرزندان آنان ندارد، چه فرزند مزبور صغیر باشد و چه فرزند مزبور کبیر باشد؛ اما در صورت تحصیل تابعیت ایران توسط مرد یا زن خارجی، تاثیر این تحصیل تابعیت بر حسب اینکه فرزند صغیر باشد یا کبیر متفاوت است، چنانچه اگر فرزند صغیر باشد تابعیت او نیز ایرانی می‌شود ولی اگر فرزند کبیر باشد تابعیت او تغییری نمی‌کند.

مطالب گفته شده در خصوص تاثیر ازدواج بر تغییر تابعیت فرزندان که تا کنون مطرح شد مربوط به حالتی است که فرزند قبل از ازدواج متولد شده باشد و مرد و زن، چه ایرانی و چه

خارجی، پس از دارا شدن فرزند تصمیم به تغییر تابعیت بگیرند؛ اما مسئله مهم‌تر وضعیت تابعیت فرزندان است که پس از ازدواج زن و مرد متولد می‌شوند؛ به عبارت دیگر ازدواج مقدم بر تولد فرزند است؛ به عنوان مثال، چنانچه زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج کند و در اثر این ازدواج صاحب فرزندی شود، وضعیت تابعیت طفل متولد شده چگونه است و آیا می‌توان او را تبعه ایران محسوب کرد یا خیر؟ در بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی بیان شده است که طفل متولد از پدر ایرانی، در هر کشوری که به دنیا آید تابعیت ایران را از بدو تولد دارا می‌باشد؛ این در حالی است که در این ماده به این موضوع که فرزند متولد از مادر ایرانی چه وضعیتی از نظر تابعیت می‌تواند داشته باشد اشاره‌ای نشده است. در بند چهارم این ماده نیز بیان شده است که برای اعطای تابعیت به فرزند متولد در ایران شرایطی لازم است که یکی از آنها خارجی بودن پدر و مادر است. در بند پنجم این ماده هم آمده است که طفل متولد از پدر خارجی در ایران، می‌تواند طبق شرایطی تابعیت ایرانی داشته باشد حتی اگر مادر او ایرانی باشد و یکی از شرایط آن، اقامت یک‌ساله بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌باشد. با توجه به بندهای دوم و چهارم و پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی، این مسئله مطرح است که آیا به طفل متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی می‌توان تابعیت ایرانی را اعطا کرد یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال باید دو فرض را از هم تفکیک کرد و دید در کدام حالت قانون‌گذار ایران تابعیت خود را به فرزند متولد شده از مادر ایرانی اعطا می‌کند و در کدام حالت تابعیت خود را اعطا نمی‌کند:

الف) حالتی که طفل در ایران متولد شود: در این حالت قانون‌گذار در بند پنجم ماده ۹۷۶ پذیرفته است که به این طفل می‌توان منوط به رعایت شروطی، تابعیت ایران را اعطا کرد که این شروط عبارتند از: خارجی بودن پدر، تولد طفل در ایران و اقامت یک‌ساله پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی؛ تابعیتی که از این طریق به طفل متولد شده اعطا می‌شود، تابعیتی تولدی بر اساس اعمال سیستم خاک است و نه تابعیت اکتسابی و تفاوت بین تابعیت تولدی و تابعیت اکتسابی در محرومیت‌های ماده ۹۸۲ قانون مدنی بروز پیدا می‌کند. (Spiro, P. J, 2019, 27)

ب)حالتی که طفل خارج از ایران متولد می‌شود: در این فرض، امکان اعمال بندهای چهارم و پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود ندارد؛ زیرا همان‌طور که قبلاً بیان شد، این بندها روشی برای اعطای تابعیت ایران بر اساس سیستم خاک هستند که یکی از شرایط آن، تولد شخص در خاک ایران می‌باشد. تنها راه اعطای تابعیت اصلی به این دسته از افراد، اعطای تابعیت بر اساس سیستم خون و نسب مادر است که قانون‌گذار ایران در بند دوم ماده ۹۷۶ اشاره‌ای به آن نکرده است و از این سکوت می‌توان این نتیجه را گرفت که قانون‌گذار ایران، اعطای تابعیت از طریق نسب و بند دوم را فقط از طریق پدر امکان‌پذیر می‌داند و به فرزند متولد شده از مادر ایرانی و پدر خارجی‌ای که در خارج از کشور ایران متولد می‌شود، تابعیت ایران را اعطا نمی‌کند؛ البته عده‌ای معتقدند که در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیتی چهارده‌گانه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ و متناسب با سیاست‌های جمعیتی، بهتر است که مانند کشورهای دارای وسعت کم و مهاجر فرست، در افزایش کمی اتباع خود تلاش کنیم که یکی از راه‌های رسیدن به این هدف، اعطای تابعیت به فرزندان متولد از مادران ایرانی و همسران خارجی است، چه در ایران متولد شده باشند و چه خارج از ایران (سلمان پور، ۱۳۹۵، ۷۷).

۴- تاثیر ازدواج والدین بر تابعیت فرزندان در نظام حقوقی ترکیه:

مسئله‌ای که در ذیل این عنوان به دنبال آن هستیم این است آیا ازدواج با اتباع ترکیه یا ازدواج اتباع ترکیه با اتباع سایر کشورها می‌تواند نسبت به تابعیت فرزندان آنان تاثیرگذار باشد یا خیر؟ به عنوان مثال، چنانچه یک مرد یا زن ترکیه‌ای با یک مرد یا زن ایرانی ازدواج نمایند و در اثر این ازدواج صاحب فرزندی شوند، آیا می‌توان به این فرزند متولد شده تابعیت ترکیه را اعطا کرد؟ یا مثلاً اگر یک زن یا مرد ترکیه‌ای که دارای فرزندی می‌باشد با یک زن یا مرد ایرانی ازدواج نماید، آیا این ازدواج می‌تواند نسبت به تابعیت فرزند او تاثیر بگذارد یا خیر؟ برای روشن شدن موضوع باید دو فرض را از یک‌دیگر تفکیک کرد؛ فرض اول حالتی

است که فرزند پدر و مادر ترک، قبل از ازدواج متولد شده است و فرض دوم حالتی است که فرزند پدر و مادر ترک، بعد از ازدواج متولد شده است.

الف) تولد فرزند قبل از ازدواج: به عنوان مثال، چنانچه یک زن ترکیه‌ای که صاحب فرزندی است با یک مرد ایرانی ازدواج کند، آیا این ازدواج تاثیری در تابعیت فرزند دارد؟ برای پاسخ به این سوال در قانون ترکیه، در فرضی که پدر یا مادر ترکیه‌ای دارای فرزندی می‌باشد و سپس با زن یا مرد تبعه کشور خارجی ازدواج می‌کند، فرزند آنان تابعیت ترکیه‌ای خود را از دست نمی‌دهد، مگر اینکه بر اساس ماده ۲۷، پدر و مادر ترکیه‌ای او از تابعیت ترکیه‌ای خود انصراف دهند و فرزند هم در اثر این انصراف فاقد تابعیت نشود^۱؛ اما در خصوص اینکه آیا تابعیت کشور خارجی را به دست می‌آورد یا خیر، این بستگی به قواعد حقوقی کشور خارجی دارد که آیا به این فرزند، تابعیت خود را اعطا می‌کند یا خیر؛ به عنوان مثال، در حقوق ایران امکان اعطای تابعیت به این دسته از فرزندان پیش‌بینی شده است؛ البته در این صورت فرزند متولد شده دارای وضعیت تابعیت مضاعف شده است اما می‌تواند از طریق حق انتخاب و با استناد به بند یک ماده ۳۴ قانون تابعیت ترکیه^۲، از تابعیت ترکیه‌ای خود خارج شود.

ب) تولد فرزند پس از ازدواج: فرض مهم دیگری که در خصوص تاثیر ازدواج در تابعیت فرزند ترکیه‌ای قابل بررسی است فرضی است که فرزند پس از ازدواج یک تبعه ترکیه‌ای با یک تبعه کشور خارجی متولد شود و مسئله این است که آیا در این صورت، این ازدواج تاثیری بر تابعیت فرزند دارد یا خیر؟ به عنوان مثال، چنانچه یک تبعه ترکیه‌ای با یک تبعه ایرانی

¹ Article 27-.... Children of mother and father who lose Turkish citizenship together by obtaining renunciation permit shall also lose Turkish citizenship

² Article 34..... -(1) The persons fulfilling the conditions below can renounce Turkish citizenship within three years after they attain maturity:

a) From among persons who acquire Turkish citizenship by birth because of kinship tie to mother or father; those who acquire the citizenship of a foreign mother or a father by birth or afterwards

ازدواج کند و در اثر این ازدواج صاحب فرزندی شود، وضعیت تابعیت این فرزند متولد شده چگونه است؟ در این خصوص در نظام حقوقی ترکیه، میان اینکه پدر تبعه ترکیه باشد یا مادر تفاوتی وجود ندارد و در هر دو فرض امکان اعطای تابعیت ترکیه‌ای به فرزند وجود دارد؛ در بند یک ماده هفت قانون تابعیت ترکیه آمده است که فرزند متولد از پدر یا مادر ترکیه‌ای، چه در داخل کشور ترکیه و چه خارج از آن متولد شود، از بدو تولد تابعیت ترکیه را دارا می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در قواعد تابعیت ترکیه، در انتقال تابعیت از طریق نسب و سیستم خون، تفاوتی میان نسب مادری و نسب پدری وجود ندارد و تابعیت هر دو قابل انتقال به طفل می‌باشد (Vink, & de Groot 2010, 21).

۵- حالات مختلف تابعیت والدین و تاثیر آن در تابعیت فرزندان در نظام حقوقی ایران:

الف) فردی که دارای پدر ایرانی و مادر خارجی است؛ به این دسته از افراد هم به مانند بند قبلی و بر اساس بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی، می‌توان تابعیت اصلی ایران را از زمان تولد اعطا کرد.

همان‌طور که بیان شد باید میان فردی که والدین او تبعه ایران هستند و باهم ازدواج می‌کنند و فردی که پدر و مادر او تبعه ایران نیستند تفاوت قائل شد و چند حالت را طرح کرد؛

ب) فردی که دارای پدر و مادر ایرانی باشد؛ آنچه که از تدقیق در قوانین ایران به دست می‌آید این است که فردی که دارای پدر و مادر ایرانی است، از زمان تولد تبعه ایران محسوب می‌شود؛ بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی بیان می‌دارد کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند ایرانی هستند (Manby, B., & Sawyer, C., 2018,9).

ج) فردی که دارای مادر ایرانی و پدر خارجی است؛ در خصوص این بند باید سه مقرر را مورد بررسی قرار داد؛ بند چهارم و پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی و قانون ماده واحده سال ۱۳۹۸ در خصوص تابعیت

برای اعطای تابعیت به افراد بر اساس بند چهارم، رعایت سه شرط ضروری است. ۱- تولد فرد در ایران باشد. ۲- پدر و مادر فرد خارجی باشند. ۳- یکی از پدر و مادر فرد در ایران متولد شده باشند. مسئله‌ای که وجود دارد این است که آیا می‌توان این بند را تفسیر موسع کرد و حکم آن را به طفل متولد از مادر ایرانی نیز سرایت داد؟ عده‌ای از حقوق دانان در درستی قائل شدن قیاس الویت برای این بند بیان کرده‌اند که طفل متولد در ایران، از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج، مشمول هیچ‌یک از شقوق ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیست و چنین طفلی تبعه ایران محسوب نمی‌شود (عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۰، ۳۴۳) آنچه که به نظر می‌رسد این است که از نظر حقوقی نمی‌توان این بند را تفسیر موسع کرد زیرا اساساً قواعد مربوط به تابعیت ایران که در قانون مدنی ذکر شده‌اند، غیرقابل تفسیر و مضیق هستند چون قوانین مربوط به تابعیت در هر کشوری، جزء آن دسته از قواعد و قوانین حقوقی‌ای هستند که حساسیت بیشتری نسبت به سایر قوانین دارند و باید به گونه‌ای وضع شوند که امکان تفسیر و برداشت‌های مختلف از آن نباشد؛ همچنین با توجه به پذیرش استثنائی سیستم خاک در نظام حقوقی ایران، نمی‌توان قاعده استثنائی را تفسیر موسع کرد و حکم آن را به سایر موارد تسری داد. بر همین اساس عده‌ای از حقوق دانان، در جهت نقد این بند بیان کرده‌اند که نسبت به موردی که طفل در ایران متولد شده و دارای پدر خارجی و مادر ایرانی‌ای باشد که هیچ‌یک در ایران متولد نشده باشند، قانون به چنین طفلی تابعیت ایرانی نمی‌دهد؛ زیرا عبارت ماده مزبور شامل آن نمی‌گردد و این یکی از اشتباهات قانون مدنی است؛ زیرا طفل متولد در ایران که دارای پدر خارجی و مادر ایرانی‌ای که در خارج متولد شده، است، ایرانی‌تر از طفلی است که از پدر و مادر خارجی، که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد، به وجود آید (امامی، ۱۳۷۷، ۱۶۶).

بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی هم برای اعمال شرایطی لازم دارد که علاوه بر متولد شدن طفل در ایران، خارجی بودن پدر و اقامت یک ساله فرزند متولد شده پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، از جمله شرایط اعمال این بند است.

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب سال ۹۸ مقرر می‌دارد: «ماده واحده: فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان

غیر ایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی، به درخواست مادر ایرانی، در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی‌آیند. فرزندان مذکور، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.....».

همان‌طور که مشخص است در این قانون هم فرد در ایران متولد شده باشد و یکی از والدین او هم در ایران متولد شده باشد، می‌توان برای او تقاضای تابعیت ایرانی کرد؛ اما صرف وجود این دو شرط برای اعطای تابعیت کافی نیست و شرایط دیگری را هم لازم دارد که از این جهت، محدوده اعمال آن با بند چهارم ماده ۹۷۶ متفاوت است؛ قانون‌گذار در هنگام وضع تبصره دو قانون اصلاحی، نگاهی هم به بند چهارم ماده ۹۷۶ قانون مدنی و انتقادهای وارده بر آن داشته است که بر اساس آن حاضر شده است تحت شرایطی به فرزند متولد در ایران، از مادر ایرانی‌ای که متولد ایران است، تابعیت ایران را اعطا کند. البته باید توجه داشت، تابعیتی که بر اساس قانون اصلاحی به فرد اعطا می‌شود، تابعیتی اکتسابی است و فرد تبعه همچنان مشمول محرومیت‌های ماده ۹۸۲ قانون مدنی قرار دارد؛ اما تابعیت اعطا شده بر اساس بند چهارم ماده ۹۷۶، تابعیتی اصلی است که فرد به محض تولد دارا می‌باشد. در خصوص ارتباط میان بند چهارم ماده ۹۷۶ و قانون ماده واحده سال ۹۸ عده‌ای بیان کرده‌اند که اگر قائل به قیاس الویت بند چهارم ماده ۹۷۶ قانون مدنی باشیم و بپذیریم که به فرزند متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی در ایران، که مادر او متولد ایران باشد نیز می‌توان تابعیت ایران را اعطا کرد؛ نسبت میان بند چهارم ماده ۹۷۶ قانون مدنی و قانون ماده واحده سال ۹۸، عموم و خصوص من وجه می‌باشد؛ اما در غیر این صورت و در فرضی که فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی از شمول بند

چهارم ماده ۹۷۶ خارج باشد؛ نسبت میان این دو مقررہ دارای تباین است (امینی و امینی، ۱۳۹۸، ۴۵۴).

قانون ماده واحدہ سال ۹۸ از جہتی ہم می تواند مرتبط با بند پنجم ماده ۹۷۶ باشد؛ ارتباط میان بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی و قانون ماده واحدہ سال ۹۸ را می توان در قالب یک مثال نشان داد؛ چنانچہ از یک پدر خارجی و مادر ایرانی طفلی در ایران متولد شود، آیا این طفل می تواند تابعیت ایران را داشته باشد یا خیر؟ بہ عبارت دیگر، در بند پنجم ماده ۹۷۶، آنچه کہ اهمیت دارد، پدر خارجی و تولد در ایران است؛ اما آنچه کہ در قانون ماده واحدہ سال ۹۸ اهمیت دارد، پدر خارجی و تولد در ایران و همچنین مادر ایرانی ای کہ متولد ایران باشد است. با توجہ بہ این مطالب، چند فرض را می توان برای مثال بیان شدہ در نظر گرفت؛

۱- فرض اول این است کہ فرزند متولد شدہ در ایران، از پدر خارجی و مادر ایرانی ای کہ او نیز متولد ایران بودہ است، متولد شود؛ در این فرض، فرزند متولد شدہ برای تبعہ ایران محسوب شدن، از جہتی می تواند بر اساس قانون ماده واحدہ سال ۹۸ تابعیت ایران را داشته باشد؛ زیرا در تبصرہ دو این قانون مقرر شدہ است کہ برای اعمال این تبصرہ، باید یکی از والدین در ایران متولد شدہ باشند؛ از جہتی ہم می توان بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی را بر او اعمال کرد، البتہ بہ شرطی کہ پس از رسیدن بہ سن ۱۸ سالگی یک سال دیگر در ایران اقامت داشته باشد؛ زیرا ہم دارای پدر خارجی است و ہم در ایران متولد شدہ است. در خصوص تعارض میان این دو مقررہ، برخی چنین نظر داده اند کہ چون بند پنجم ماده ۹۷۶ حذف شدہ است، در این صورت چنین برداشت می شود کہ در خصوص موضوع واحد، قوانین متفاوت وجود دارد (فدوی، ۱۳۸۵، ۷۵)؛ بہ نظر می رسد آنچه کہ در صورت وقوع تعارض میان بند پنجم ماده ۹۷۶ و قانون ماده واحدہ سال ۹۸ پیش می آید باید بدین صورت حل گردد کہ چون قانون ماده واحدہ سال ۹۸ پس از قانون مدنی و بند پنجم ماده ۹۷۶ تصویب شدہ است، باید قائل بہ تخصیص این ماده بہ وسیلہ قانون اصلاحی بود.

۲- فرض دوم این است که فرزند متولد شده در ایران، دارای پدر خارجی و مادر خارجی باشد؛ در این صورت، در خصوص این فرزند، بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی قابل اعمال است و قانون ماده واحده سال ۹۸ را نمی‌توان نسبت به این فرد اعمال کرد؛ زیرا یکی از شروط اعمال قانون ماده واحده سال ۹۸، ایرانی بودن مادر است.

۳- فرض سوم این است که فرزند متولد شده در ایران، دارای پدر خارجی و مادر ایرانی‌ای باشد که هیچکدام از آنها در ایران متولد نشده باشند؛ در این فرض هم مانند فرض قبلی، در صورت وجود شرایط بند پنجم ماده ۹۷۶ باید این بند را اعمال کرد و نمی‌توان تبصره دو قانون ماده واحده سال ۹۸ را نسبت به این فرد اعمال کرد؛ زیرا یکی از شرایط اعمال تبصره دو قانون ماده واحده سال ۹۸، تولد یکی از والدین در ایران است.

د) فردی که دارای پدر و مادر خارجی است؛ برای اعطای تابعیت ایرانی به فردی که پدر و مادر خارجی دارد باید دو فرض را از یکدیگر تفکیک کرد؛ فرضی که فرزند خارج از ایران متولد می‌شود و فرضی که فرزند در ایران متولد می‌شود؛ در صورتی که فرزند خارج از ایران متولد شود، با توجه به اینکه سیستم اصلی پذیرفته شده برای اعطای تابعیت در نظام حقوقی ایران سیستم خون می‌باشد و پذیرش سیستم خاک به صورت استثناء می‌باشد، به این فرد نمی‌توان تابعیت ایران را اعطا کرد؛ اما در فرضی که فرزند در ایران متولد می‌شود، اگر شرایط بندهای سه و چهار و پنج ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود داشته باشد می‌توان به این فرد تابعیت ایرانی را اعطا کرد؛ بند سوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «... کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند».

نتیجه‌گیری

۱- برای اینکه ازدواج بتواند در تابعیت فرزندان تأثیرگذار باشد باید ازدواج میان والدین به صورت شرعی و با رعایت ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی صورت گرفته باشد و در غیر این صورت ازدواج صورت گرفته باطل و تأثیر در تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج ندارد.

۲- در چگونگی تأثیر ازدواج بر تابعیت فرزندان باید دو فرض را از هم تفکیک کرد؛ الف) فرضی که تولد فرزند بعد از ازدواج است که در این صورت باید به محل تولد طفل و همچنین شرعی بودن ازدواج توجه کرد. ب) فرضی که تولد فرزند قبل از ازدواج مجدد والدین است که در این صورت حکم موجود با توجه به مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ قانون مدنی نسبت به پدر و مادر ایرانی متفاوت است.

۳- در صورت ازدواج یک ایرانی با یک خارجی باید میان زن و مرد ایرانی قائل به تفاوت شد؛ در صورتی که یک مرد ایرانی با یک زن تبعه خارجی ازدواج کند و بر اثر این ازدواج صاحب فرزندی شود، این فرزند از بدو تولد تبعه ایران محسوب می‌شود؛ اما اگر یک زن ایرانی با یک مرد تبعه خارجی ازدواج کند و بر اثر این ازدواج صاحب فرزندی شود، این فرزند از بدو تولد نمی‌تواند تابعیت ایران را دارا باشد و برای ایرانی شدن باید درخواست تابعیت ایران را طرح کرد. البته اگر شرایط قانون ماده واحده سال ۹۸ وجود نداشته باشد و در مقابل شرایط بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود داشته باشد می‌توان تابعیت اصلی را به این فرزند اعطا کرد اما ایراد این بند در این است که تا قبل از ۱۹ سالگی تابعیت ایرانی را به این فرد اعطا نمی‌کند.

۴- در صورتی که فرزند متولد از والدین ایرانی و یا خارجی در ایران متولد شود و شرایط بندهای چهارم و پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود داشته باشد می‌توان به این دسته از افراد تابعیت اصلی ایران را اعطا کرد؛ اما اگر فرزند متولد از پدر و مادر خارجی در ایران متولد نشود، با توجه به پذیرش استثنائی سیستم خاک در نظام حقوقی ایران، امکان

اعمال اعطای تابعیت اصلی به این دسته از افراد وجود ندارد و این دسته از افراد برای به دست آوردن تابعیت ایرانی باید درخواست تابعیت ایران را طرح کنند.

۵- در نظام حقوقی ترکیه برخلاف ایران تفاوتی میان زن و مرد از جهت کسب تابعیت از طریق ازدواج وجود ندارد و در هر صورت صرف ازدواج باعث کسب تابعیت ترکیه ای برای فرد خارجی نمی شود و باید شرایطی وجود داشته باشد تا بتوان تابعیت ترکیه ای را به فرد اعطا کرد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ارفع نیا، بهشید، (۱۳۷۷)، "ازدواج و تابعیت"، مجله حقوق زنان، شماره ۲، صص ۵۴-۵۷
۲. ارفع نیا، بهشید، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات بهتاب
۳. آریان، کاظم، (۱۳۷۶)، ازدواج ایرانیان با اتباع خارجه و تأثیر آن در تابعیت، پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم
۴. الماسی، نجادعلی، (۱۳۹۶)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، چاپ هفدهم، نشر میزان
۵. الماسی، نجادعلی و گنجی زاده، حمید، (۱۴۰۳)، چگونگی تأثیر ازدواج در تابعیت زن و شوهر در نظام حقوقی ایران با نگاهی به نظام حقوقی ترکیه، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره ۲۳، صص ۳۴-۶۰
۶. الهویی نظری، حمید و کورکی نژاد، مجید، (۱۳۹۵)، "ضرورت های حقوقی داخلی و بین المللی اصلاح برخی مواد قانون مدنی در خصوص تابعیت زنان"، مجله مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲، صص ۲۹۷-۳۱۸
۷. امامی، حسن، (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، قم، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه
۸. امینی، مهدی و امینی، زهرا، (۱۳۹۸)، "تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی"، مجله حقوق خصوصی، شماره ۲، صص ۴۳۵-۴۶۲
۹. براریان طبری، میترا، (۱۳۹۲)، وضعیت حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران
۱۰. حسنی، قاسم، (۱۳۸۶)، تابعیت و مسائل و مشکلات کودکان مهاجر و پناهنده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۱. دانش پژوه، مصطفی، (۱۳۸۲)، "تابعیت طفل طبیعی در نظام حقوقی ایران"، مجله حوزه ودانشگاه، شماره ۳۶، صص ۳۹-۷۵
۱۲. سلجوقی، محمود، (۱۳۸۰)، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تهران، چاپ اول، نشر میزان
۱۳. سلجوقی، محمود، (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان
۱۴. سلمان پور، سارا، (۱۳۹۵)، وضعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک، پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد
۱۵. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، (۱۳۹۴)، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان
۱۶. عزیززی، ستار و حاجی عزیززی، بیژن، (۱۳۹۰)، "بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل؛ نقدی بر ماده ۹۷۶ و ماده واحده سال ۸۵"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، صص ۳۳۳-۳۷۰

۱۷. فدوی لنجوانی، سلیمان، (۱۳۸۵). "نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی"، مجله کانون وکلا، شماره ۶۷، صص ۶۶-۸۷
۱۸. قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۸۷)، "تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی"، نامه مفید یا حقوق تطبیقی، شماره ۷۰، صص ۲۱-۳۸
۱۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده)، تهران، نشر میزان
۲۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم
۲۱. مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات گنج دانش
۲۲. مریدی، صبا و منصوری، فرنگیس، (۱۳۹۶)، مساله بی‌تابعیتی کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و پیامدهای آن، مجله اندیشمندان حقوق، شماره ۱۲، صص ۶۵-۸۴
۲۳. نصیری، محمد، (۱۳۹۷)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، چاپ سی و چهارم، نشر آگاه
۲۴. وحدتی شبیری، حسن و افشار قوچانی، زهره، (۱۳۹۳)، "تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی"، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۶۸
۲۵. هارونی، پروین، (۱۳۸۰)، سیستم‌های حاکم بر تابعیت در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز

منابع انگلیسی

1. I.C.J. Reports (1955) Nottebohm Case, (Liechtenstein v. Guatemala), Second Phase
2. -Manby, B., & Sawyer, C, (2018), Gender, Marriage, and Nationality : How Laws Shape Family Rights, Citizenship Studies
3. -Vink, M. P., & de Groot, G. R, (2010), Marriage and the Citizenship of Children: A Comparative Study, European Journal of Migration and Law
4. -Rubio-Marín, R, (2016), Nationality Laws and the Transmission of Citizenship to Children: The Role of Marriage, International Journal of Constitutional Law
5. -Starke, J.G. (1989), Introduction to International Law, London, Butterworths

6. Spiro, P. J, (2019), The Impact of Parental Marriage on Child Citizenship in International Law, American Journal of International Law

References

1. Alhooi Nazari, Hamid & Korke Nejad, Majid (2016), "Domestic and International Legal Necessities for Amending Certain Provisions of the Civil Code Regarding Women's Nationality," Public Law Studies Journal, No. 2, pp. 297-318 (in Persian) .
2. Almasi, Najaf-Ali (2017), Private International Law, Tehran, 17th Edition, Mizan Publications (in Persian) .
3. Almasi, Najaf-Ali & Ganji Zadeh, Hamid (2024), The Impact of Marriage on the Nationality of Spouses in the Iranian Legal System with a Look at the Turkish Legal System, Comparative Law Research and Development Quarterly, No. 23, pp. 34-60 (in Persian) .
4. Amini, Mehdi & Amini, Zahra (2019), "Nationality of Children Born to Iranian Women Married to Foreign Men," Private Law Journal, No. 2, pp. 435-462 (in Persian) .
5. Arfania, Behshid (1998), "Marriage and Nationality," Women's Rights Journal, No. 2, pp. 54-57 (in Persian) .
6. Arfania, Behshid (2003), Private International Law, Tehran, Behtab Publications (in Persian) .
7. Aryan, Kazem (1997), Marriage of Iranians with Foreign Nationals and Its Impact on Nationality, Master's Thesis, Faculty of Law, Qom University (in Persian) .
8. Azizi, Sattar & Haji Azizi, Bijan (2011), "Examining the Role of Iranian Mothers in Transferring Nationality to Children: A Critique of Article 976 and the 2006 Single Article Law," Legal Research Journal, No. 56, pp. 333-370 (in Persian) .
9. Bararian Tabari, Mitra (2013), The Legal Status of the Nationality of Children Born to Iranian Women Married to Foreign Men, Master's Thesis, Faculty of Law, Mazandaran University (in Persian) .
10. Danesh Pazhooh, Mostafa (2003), "Nationality of Illegitimate Children in the Iranian Legal System," Hawza va Daneshgah Journal, No. 36, pp. 39-75 (in Persian) .

11. Emami, Hassan (1998), Civil Law, Qom, Islamiyah Bookstore Publications (in Persian) .
12. Fadavi Lanjani, Soleiman (2006), "A Critique of the Single Article Law on Determining the Nationality of Children Born to Iranian Women and Foreign Men," Bar Association Journal, No. 67, pp. 66-87 (in Persian) .
13. Ghorban Nia, Nasser (2008), "Nationality of Children Born to Iranian Women Married to Foreign Men," Mofid Journal of Comparative Law, No. 70, pp. 21-38 (in Persian) .
14. Harouni, Parvin (2001), Systems Governing Nationality in Iranian Private International Law, Master's Thesis, Faculty of Law, Shiraz University (in Persian) .
15. Hasani, Ghasem (2007), Nationality and Issues Concerning Migrant and Refugee Children, Tehran, University of Tehran Publications (in Persian) .
16. I.C.J. Reports (1955) Nottebohm Case, (Liechtenstein v. Guatemala), Second Phase
17. Rubio-Marín, R, (2016), Nationality Laws and the Transmission of Citizenship to Children: The Role of Marriage, International Journal of Constitutional Law
18. Katouzian, Nasser (2002), Introductory Course on Civil Law (Family Law), Tehran, Mizan Publications (in Persian) .
19. Katouzian, Nasser (2015), Civil Code in the Current Legal System, Tehran, Mizan Publications, 40th Edition (in Persian) .
20. Madani, Jalaluddin (1996), Private International Law, Tehran, Ganj-e Danesh Publications (in Persian) .
21. Manby, B., & Sawyer, C, (2018), Gender, Marriage, and Nationality: How Laws Shape Family Rights, Citizenship Studies
22. Nasiri, Mohammad (2018), Private International Law, Tehran, 34th Edition, Aghah Publications (in Persian) .
23. Safaei, Hossein & Emami, Asadollah (2015), A Concise Study of Family Law, Tehran, Mizan Publications (in Persian) .
24. Saljoughi, Mahmoud (2001), Essentials of Private International Law, Tehran, 1st Edition, Mizan Publications (in Persian) .
25. Saljoughi, Mahmoud (2007), Private International Law, Tehran, Mizan Publications (in Persian) .

26. Salmanpour, Sara (2016), The Status of Children Born to Iranian Women Married to Foreign Men with a Look at the Convention on the Rights of the Child, Master's Thesis, Faculty of Law, Islamic Azad University (in Persian) .
27. Starke, J.G. (1989), Introduction to International Law, London, Butterworths
28. Spiro, P. J, (2019), The Impact of Parental Marriage on Child Citizenship in International Law, American Journal of International Law
29. Vahdati Shobeiri, Hassan & Afshar Ghouchani, Zahra (2014), "Determining the Legal Status of Children Born to Iranian Women Married to Foreign Men," Comparative Law Research Journal, No. 4, pp. 147-168 (in Persian).
30. Vink, M. P., & de Groot, G. R, (2010), Marriage and the Citizenship of Children : A Comparative Study, European Journal of Migration and Law